



ایران



نقل قول

موسیقی نواحی بخشی از میراث زنده فرهنگی است

جشنواره موسیقی نواحی صرفاً برای اجرای چند برنامه موسیقی نیست؛ جشنواره موسیقی نواحی بخشی از میراث زنده فرهنگی ماست. در شرایط حاضر، حافظه شنیداری اقوام ونواحی مختلف کشور اهمیت ویژه‌ای دارد. اگر معتقدیم تنوع فرهنگی ما باید حفظ شود و اگر تقویت هویت ملی را ضروری می‌دانیم، یکی از مسیرهای جدی تحقق این اهداف، توجه به رویدادهایی مانند جشنواره موسیقی نواحی است که در این دوره باید بیش از گذشته به آن توجه شود. هزینه‌کرد در حوزه فرهنگ و هنر هزینه نیست، بلکه سرمایه‌گذاری است. اگر منابع محدودی که در اختیار داریم به‌درستی برنامه‌ریزی و هزینه شود، می‌تواند به یک سرمایه‌گذاری ارزشمند تبدیل شود که در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی نیز به کشور کمک کند؛ بویژه در روزهایی که به احیای سرمایه اجتماعی نیاز داریم.

صحبت‌های مهدی شفیعی معاون هنری وزیرفرهنگ و ارشاد اسلامی در جلسه شورای سیاست‌گذاری هجدهمین جشنواره موسیقی نواحی



همکاری «شهرام ناظری» و «کیخسرو پورناظری»

شهرام ناظری، موسیقیدان و خواننده موسیقی سنتی ملقب به شوالیه آواز ایران و کیخسرو پورناظری، موسیقیدان و آهنگساز موسیقی سنتی، قرار است پس از ۳۰ سال همکاری مشترک بار دیگر با یکدیگر همکاری کرده و کنسرت‌هایی را برگزار کنند. این دو هنرمند پیشکسوت در سال‌های پس از انقلاب الیوم‌های «صدای سخن عشق»، «مهتاب‌رو» و «حیرانی» را با همکاری یکدیگر تولید و منتشر کردند و یکی از دوره‌های درخشان موسیقی ایران را رقم زدند اما این همکاری به دلیل تفاوت سلاقی ادامه پیدا نکرد. **«ایران»**



«مهباز علیزاده» با «ریشه‌ئُر» به کاخ هنر می‌رود

پروژه نمایشی موسیقایی «ریشه‌ئُر» به نویسندگی، کارگردانی موسیقی مهباز علیزاده در روز چهارشنبه اول مهرماه در قالب سومین تجربه کارگردانی تئاتر این هنرمند شناخته‌شده عرصه موسیقی در مجموعه «کاخ هنر» به‌روی صحنه می‌رود. علیزاده درباره این پروژه که به گفته او یکی از متفاوت‌ترین آثارش محسوب می‌شود، توضیح داد: «این پروژه متفاوت‌ترین کار من تا امروز است؛ مسیری که تلاش کرده این بار به دغدغه‌های شخصی، اجتماعی، وجودی و فلسفی انسان معاصر در این روزگار بپردازد.» **«ایران»**



حرف‌های «اصغر فرهادی» در خانه سینما

اصغر فرهادی با بیان اینکه فکر نمی‌کند امکان اکران فیلم «داستان‌های موازی» در ایران وجود داشته باشد، درباره فیلم جدیدش و اینکه آیا برای ساخت آن به ایران برمی‌گردد، گفت که هنوز هیچ چیز قطعی نیست. این کارگردان برگزیده اسکار در حاشیه مراسم بزرگداشت سه پیشکسوت صداپرداز و صداگذار سینما بیان کرد: «من بعد از مدت‌ها به خانه سینما آمدم که یکی از دلایلیش همین موضوع برنامه امروز و اهمیت صدا در سینماست.» **«ایرنا»**

از حمید نعمت‌الله تا هومن سیدی؛ گزارشی از فصل تازه نمایش خانگی وقتی همه به خانه برمی‌گردند

گزارش

ترکس عاشوری

گروه فرهنگی

می‌سازد، یا چند ترکیب بازیگر که تا امروز کنار هم نشسته بودند و امسال در یک قاب قرار می‌گیرند. شاید برخی از همین نام‌ها کافی باشد تا فهرستی بسازیم و منتظر تماشايش بمانیم.

بازگشت‌های آشنا در قاب‌های تازه

حمید نعمت‌الله بعد از سال‌ها دوری از پرده سینما، امسال همزمان با خبر اکران فیلم تازه‌اش «بت» (آغاز نمایش از ۱۵ مهرماه) برای اولین بار با یک سریال به نمایش خانگی می‌رسد. «داش‌آکل»، برداشتی آزاد از داستان معروف صادق هدایت - همان که مسعود کیمیایی سال ۱۳۵۰ را بازی پررور و توفیق به یکی از ماندگارترین فیلم‌های سینمای ایران تبدیلش کرد - در ۸ تا ۱۰ قسمت ساخته می‌شود و امیر جدیدی که حضورش در نمایش خانگی تا امروز کم‌رنگ‌تر از هم‌نسلائش بوده، نقش اول را بازی می‌کند. نوید پورفرج در نقش «کاکا رستم» و رابعه مدنی که پیش‌تر در «وضعیت سفید» با نعمت‌الله همکاری کرده بود، از دیگر بازیگران این سریال هستند.

آیدآ پناهنده، بعد از سریال پرمخاطب «در انتهای شب»، این بار با «سرخ و سیاه» فیلم‌نامه‌ای که با ارسلان امیری نوشته - به دوران قاجار می‌رود؛ روایتی ۱۲ قسمتی از سال‌های ۱۲۵۰ تا ۱۲۹۰ درباره زندگی زنان ایرانی در آن دوره - علی‌شادمان نقش «نوروز» را بازی می‌کند؛ نقاش جوانی که رابطه‌ای عاطفی، او را رفته‌رفته تا ساختار قدرت درگیر می‌کند. پارسا پیروزفر برای سومین بار با پناهنده کار می‌کند و پردیس پورعابدینی هم نقشی محوری دارد. سریالی که قرار بود «جادی سفید» نام بگیرد، قرار است احتمالاً از اوایل آبان پخش شود.

محمدرضا هنرمند، کارگردان «شبنم‌پاشی» و «زیر تیغ»، بعد از سال‌ها با «عاشق کش»

برمی‌گردد؛ روایتی دراماتیک از یکی از جنجالی‌ترین پرونده‌های قضایی ایران (طبق برخی گمانه‌زنی‌ها، پرونده ناصر محمدخانی و شهلا جاهد). علاوه بر شهاب حسینی به عنوان راوی از مهران مدیری، مهدی پاکدل و رعنا آزادی‌ور به عنوان بازیگران این مینی‌سریال ۹ قسمتی نام برده می‌شود.

از نیما جاویدی، کارگردان «اکتور» و «شکارگاه»، جز نام سومین سریالشان «پستچی» - و حضور محسن تنابنده به عنوان بازیگر نقش اصلی، چیزی رسمی منتشر نشده؛ اما انتشار اطلاعات تازه‌ای مبنی بر مجموعه‌ای با حال و هوای «سرخ‌پوست» و سابقه ذهنی خوشبختی مخاطب از این فیلم، همین نکات برای کنجکاو کردن بیننده کافی است.

حسن فتحی، خالق «شهرزاد»، با «ده پهلوان» - عاشقانه‌ای تاریخی در دوران صفویه به نویسندگی خودش و نغمه نمینی - به‌شکبه نمایش خانگی برمی‌گردد. تصویربرداری از ۲۱ شهریور، همزمان با روز ملی سینما، در پارچین آغاز شده و بازیگرانش هنوز به صورت رسمی اعلام نشده‌اند.

محمد کارت، چهار سال بعد از سریال پرمخاطب «باغی»، با «گرگ» برمی‌گردد. خودش خبرهای غیررسمی درباره حضور سارا بهرامی و پژمان جمشیدی را تکذیب کرده است. جمشید محمودی، بعد از «پوست شیر» - که خیلی‌ها آن را از بهترین سریال‌های نمایش خانگی می‌دانند - با «یل» سراغ یک قصه جنایی در دهه ۴۰ و ۵۰ می‌رود؛ ماجرای قتل‌های زنجیره‌ای چند دختر جوان در یک روستا، از نوید محمدزاده در نقش مأمور تحقیق. گمانه‌زنی درباره اسپین‌آف (برگرفته) بودن این سریال از «پوست شیر» تا امروز تأیید نشده و طبق آخرین اخبار، «یل» قرار است ۱۰ مهر پخش شود. در کنار این هفت بازگشت، این فصل قصه نسل تازه‌ای هم

ظهور و قوت گرفتن پلتفرم‌های آنلاین نمایشی و در دسترس بودن حتی نسخه‌های جهانی پلتفرم‌ها، بیشتر به مخاطب داده است

اما نمایش خانگی این‌ فصل فقط قصه تازه‌ها نیست؛ چند داستان نیمه‌تمام هم منتظر ادامه‌اند. فصل‌های دوم و سوم: «ادامه مسیر همزمان برمی‌گردد. فصل دوم «سووشون» - اقتباس چالش‌برانگیزش از زمان سیمین دانشور - از مهرماه، ادامه زندگی زری و یوسف را در شیراز سال ۱۳۲۲، در روزهای اشغال ایران به دست متفقین، دنبال می‌کند؛ میلاد کی‌مرام در نقش یوسف و بهنوش طباطبایی در نقش زری. همزمان، فصل سوم «یامداد خمار» هم در دست تولید است.

سروش‌تصویر فصل دوم «آزایل» راه دیگری رفت. حسن فتحی، کارگردان فصل اول، بعد از پایان پخش فصل اول از ادامه پروژه کنار کشید و کارگردانی فصل دوم به فرد دیگری سپرده شد. با این حال، فصل دوم این سریال پلیسی-معاملاتی درباره دکتر شوکا مهرجویی و پرونده ناپدید

شدن همسایه‌شان، هنوز در دست تولید است. در کنار این ادامه‌ها، چند کارگردان که‌نه‌کار هم با سوزه‌های کاملاً تازه به شبکه نمایش خانگی می‌آیند.

کارگردانان قدیمی، سوزه‌های تازه

همایون اسعدیان که تجربه تهیه‌کنندگی سریال «خسوف» را در کارنامه دارد، با «هنگام سفید» - اقتباسی پلیسی از رمان «داماهی»، با بازی هادی حجازی‌فرو و رعنا آزادی‌ور - بار دیگر به شبکه نمایش خانگی می‌آید. حمیدرضا قربانی با «لیلی و شیرین»، با حضور علی مصفا و هدی زین‌العابدین در نقش‌های اصلی و پارسا پیروزفر و پردیس پورعابدینی در نقش‌های مکمل، سراغ یک قصه عاشقانه می‌رود. «ریمنی» مجید توکلی با مهران مدیری و بابک حمیدیان، این روزها به‌خاطر مصدومیت مدیری متوقف شده؛ توفیقی که به گفته خود توکلی موقتی است و به‌زودی کار از سر گرفته می‌شود.

و شهرام شاه‌حسینی، بعد از «رهايم کن»، دومین همکاری‌اش با محسن تنابنده را در «تعبید» - سریالی تاریخی که قبلاً «کندو» نام داشت - تجربه می‌کند؛ تنابنده این بار هم بازی می‌کند و هم نویسنده است و اولین تصویرش از این

پروژه، با گریمی کاملاً متفاوت در روز ملی سینما منتشر شد.

چند نام دیگر در راه

چند سریال دیگر هم هستند که شاید کمتر سروصدا کرده باشند، اما در راه‌اند: «مردگی» به کارگردانی امین حسین‌پور با طناز طباطبایی و صابر ابر، «گنگستر» به کارگردانی مسعود اطیابی با مجید صالحی و سام درخشانی، «شکوفه‌های گیلاس» به کارگردانی علی احمدی با حضور محسن کبیایی، نازنین بیاتی، کاظم سیاحی و میکروسریال ۱۲ قسمتی «تاکسی» که اقتباسی است از «تاکسی سواری» سروش صحت؛ اولین تجربه سریال‌سازی مجید صالحی در شبکه نمایش خانگی با حضور رضا طرآن، سروش صحت، علی مصفا و....

به این فهرست می‌توان اخبار غیررسمی از اولین سریال‌های منجم، کارگردان فیلم سینمایی «خواب» با حضور رضا عطاران و نوید محمدزاده به عنوان بازیگران اصلی و همچنین اولین تجربه سریال‌سازی عارف افشار (کارگردان مستند «ضد‌فهرمان»؛ روایتی جنجالی از صادق خلخال) با نام «گروه به تهیه‌کنندگی کاظم دانشی و بازی مربلا زارعی، علیرضا کمالی، سارا بهرامی و مهرداد صدیقیان را اضافه کرد.



پرچم ایران نماد تمامیت ارضی کشور

یادداشت

احمد مسجدجامعی وزیر پیشین فرهنگ و ارشاد اسلامی

از سوی دیگر، امسال هم اولین سال است که گروهی از مؤمنان امت، پرچم ایران به دست و گاهی همراه با پرچم‌های حزب‌الله (نه لبنان) و کشورهای عراق و فلسطین در خیابان‌ها و میدان‌ها تا پاسی از شب حضور می‌یابند.

افزون بر نمونه نسبتاً کاملی از «درفشی» (متعلق به حدود پنج‌هزار سال پیش) که از کاوش‌های شهادت در استان کرمان به دست آمد و امروز در موزه ملی ایران نگهداری می‌شود، شواهدی تصویری و متنی از پرچم‌های ایرانی طی دوره‌های تاریخی ایلام، ماد، هخامنشی، اشکانی و ساسانی در دست است که نشان‌دهنده اهمیت پرچم در ایران است.

باهمه اینها، مشهورترین پرچم در ایران که سابقه اسطوره‌ای و موجودیتی تاریخی داشت، درفش کابویان بود. منابع تاریخی تصریح کرده‌اند که این درفش تا پایان روزگار ساسانیان وجود داشت و هر شاهی که بر تخت سلطنت جلوس می‌کرد، گوهری بر آن می‌افزود. این نشان تاریخی، افزون بر گواهی روشن از دیرینگی پرچم، به‌مثابه نشانه‌ای از هویت سرزمینی و تاریخی مستمر، نشان‌های استوار از ستم‌ستیزی ایرانیان در طول تاریخ و پاسداشت این خصیصه بوده است.

در دوره معاصر، از جنبش مشروطیت پرچم ایران رسمیت یافت و دانش‌آموزان و مجلسیان و دولتیان و روحانیان زیر این پرچم عکس گرفتند. در سریال

هزاردستان آقای علی حاتمی، نمونه‌ای روشن از پرچم سه رنگ ایران بر فراز صحنه به چشم می‌خورد و همزمان با آن سرود و موسیقی‌های متناسب اجرا می‌شود. در سال‌های تجاوز رژیم بعثی به ایران، چندان شاهد حضور پرچم ایران در اجتماعات نبودیم. در یک مراسم فرهنگی به مناسبت ۲۰ سالگی انقلاب، تعداد نسبتاً فراوانی آینه به پدیدآورندگان و هنرمندان رشته‌های گوناگون اهدا شد که بر بالای پرچم ایران را به‌تازش مأمور تحقیق. هنرمند طراح این اثر آقای بابک گرمچی بود که با مس و مینا و چوب و شیشه، چنین کار ماندگاری را فراهم آورد و هنوز زینت‌بخش محافل و خانه‌ها و دفاتر اهل فرهنگ است. پس از آن در دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی چنین بحثی مطرح شد که در نشریه ویژه این نهاد آثاری از مباحث این دوره وجود دارد و نوشته‌هایی احتمالاً از آقای عبدالرسول خیراندیش، مدیر پیشین گروه تاریخ دانشگاه شیراز و سردبیر مجله «کتاب ماه تاریخ و جغرافیا» دیده می‌شود.

در شهریور ۱۳۸۷ طرح «پرچم، سند هویت ملی» از سوی کمیسیون فرهنگی، اجتماعی شورای اسلامی و دفاتر اهل فرهنگ است. اعضای آن کمیسیون، آقای حسن تیادی، نایب رئیس شورای شهر دوره سوم هم آن را امضا کرد و به تصویب صحن علنی رسید. اکنون که در آستانه اولین روز ملی پرچم قرار داریم، خالی از لطف نیست که به آن مصوبه نظری بچینیم و به یاد داشته باشیم

که چگونه ایرانیان بهانه‌های مختلف را از مسئولان و دستگاه‌های رسمی می‌گیرند و اراده خود را پیش می‌برند. در مقدمه آن سند که در کتاب الگوی فرهنگی، اجتماعی شهر، نوشته زنده‌یاد آقای محسن رضایی و خاتم فرشته‌آسیدی، آمده و با توجه به جایگاه هویت‌ساز و کارکردهای فرهنگی ویژه پرچم جمهوری اسلامی ایران و به‌منظور احترام به جایگاه آن و نیز بهره‌برداری بهینه از پرچم، شهرداری موظف است آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی را تهیه نماید. در یکی از بندهای آن مصوبه تأکید شده است که پرچم کشور باید در محل و جایگاه مناسب نصب و برافراشته گردد، در مناطقی همچون تپه‌های عباس‌آباد، برج میلاد، برج آزادی و شهر آفتاب. در همان زمان، در تپه‌های عباس‌آباد با حضور شهردار و رئیس جمهوری وقت، آقایان قالیباف و احمدی‌نژاد این کار انجام پذیرفت و در بلندترین نقطه تپه‌ای پرچمی با ارتفاع ۱۵۰ متر به اهتزاز درآمد و متأسفانه ادامه نیافت.

از مهم‌ترین بندهای مصوبه این است که پرچم جمهوری اسلامی همواره بالاتر و در موقعیت برتر از سایر پرچم‌ها قرار گیرد. همچنین تأکید شد که زمان مناسب برای برافراشتن پرچم در طول سال در نظر گرفته و همزمان با آن سرود جمهوری اسلامی و سایر سرودهای ملی اجرا شود. و بالاخره این مصوبه به فرهنگ‌سازی و استفاده از پرچم در روزهای ملی و در مناسبت‌های

و همان است که موجب ایستادگی مردمی شده و نمادهای آن بسیار مهم است و بالاخره با نامه اسادان بسیجی دانشگاه‌ها در مرداد سال گذشته، مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی به سرانجام رسید و روز پرچم در تقویم گنجانیده شد. اکنون ازجمله نکات مهم آن است که به مصوبات پیشین که با دقت و ظرافت تدوین شده، عمل شود و حتی در مناسبت‌های عزای ملی و مانند آن پرچم فرود نیاید و به‌صورت نیمه‌افراشته باشد.

نکته دیگر آنکه، سیر مکاتبات و فعالیت‌ها درباره تصویب روز پرچم، که قریب دو دهه به طول انجامید، حاکی از آن است که در این قضیه، همه جناح‌های سیاسی و فرهنگی و مذهبی شرکت داشته‌اند و روز ملی پرچم به‌واقع حاکی از اتحاد میان ایرانیان در دفاع از تمامیت ارضی و حاکمیت ملی است. پیش‌ترها در کتاب‌های درسی این

موضوع جایگاهی داشت و در ذیل شعر آقای عباس یمنی شریف «ما گل‌های خندانیم، فرزندان ایرانیتیم»، تصویر پرچمی با نقاشی آقای پرویز کلانتری به چشم می‌خورد. حیف آن نقاشی و شعر که فرزندان امروز ایران از آن محرومند. همچنین شایسته است از «هیروشیما» اثر هنرمندانه جلیل رسولی، نیز یاد کرد که با عدد ۱۶۸ در میانه پرچم، نام شهیدای دانش‌آموز مدرسه شجره طیبه و مربلا زارعی، علیرضا کمالی، سارا بهرامی و نخستین روز مهر، روز ملی پرچم گرامی باد.